

آسیب‌شناسی روش ترجمه خواننده‌محور

دکتر ابوالقاسم قوام

احسان قبول

در ۱۵۰ سال گذشته جامعه ما به دنبال رویدادها و دگرگونیهای جهانی، تغییرات و تحولات بنیادینی از سر گذرانده است. حرکت از جامعه‌ای سنتی به سوی جامعه‌ای مدرن و شهری و پیدایش تحولات سیاسی-اجتماعی از مهمترین آنها می‌باشد. در این فرایند، شاخه‌های مختلف علوم — از جمله علوم انسانی و ادبیات — توسعه و پیشرفت زیادی یافته و مفاهیم و اصطلاحات فراوانی از اصل غربی آن به حوزه دانش ما وارد گردیده است. این دانشها بنا بر شرایط و نیازهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و علمی آن جوامع صنعتی به وجود آمده و به علت نبود بعضی از آن نیازها و بسترها در جامعه ما، پیامدها و کارکردهایی منفی به دنبال داشته است. همچنین در جریان ورود این دانشها و اصطلاحات، گاه به علت دریافت نادرست و نامناسب، صورت تحریف شده آنها منتقل گردیده است.

دانش نظری ترجمه و رویکردها و اصطلاحات مربوط به آن، از جمله مواردی است که از غرب به ایران وارد گردیده است. (۱) دو رویکرد اصلی ترجمه که از غرب به حوزه نظری دانش ترجمه ما وارد گردیده است رویکرد ترجمه متن‌محور و رویکرد خواننده‌محور می‌باشد. در این مقاله با ارائه تعریفی مطلوب از ترجمه و مورد توجه قرار دادن زمینه‌های اصلی پیدایش این دو رویکرد به بررسی آسیب‌ها و نتایج هر یک از آنها خواهیم پرداخت. (۲)

ترجمه را می‌توان تعویض عناصر [زبانی و معنایی] متنی از یک زبان با عناصر نظیر در زبان دیگر دانست (اسنل هورنبی، ۱۹۸۸: ۱۵). ترجمه عبارت است از بازنویسی متنی در زبان مقصد با نزدیکترین معادلهای طبیعی در آن زبان. (همان) الکساندر تیتلر (۱۷۹۰) سه قاعده را برای ترجمه ذکر نموده است:

۱- ترجمه باید رونوشتی کامل از اندیشه مندرج در متن اصلی ارائه دهد.

۲- سبک و ترجمه باید شبیه سبک متن اصلی باشد.

۳- ترجمه باید سهولت و روانی نگارش متن اصلی را داشته باشد. (همان: ۱۳) (۳)

اگرچه این تعریفها کمال مطلوب از ترجمه می باشد چراکه عملاً پیامی را نمی توان بدون تغییر در صورت و معنی از زبانی به زبان دیگر منتقل کرد. اما هر چه ترجمه ای به این گونه تعریفها نزدیکتر باشد از درجه و اعتبار بالاتری برخوردار است. نکته اساسی این است که ترجمه بر بنیان اثری در زبان مبدأ صورت می پذیرد که دارای ساختار و پیام است و از جوهره علمی یا ادبی برخوردار است. وظیفه ترجمه انتقال این ساختار و پیام از زبان مبدأ به مقصد می باشد.

هر یک از دو رویکرد ترجمه متن محور و خواننده محور تحت شرایط و عوامل خاصی به وجود آمده است. «فرهنگ کلاسیک از سه طریق عمده در ادبیات ملتهای جدید نفوذ کرده است. این سه طریق عبارتند از: ترجمه، تقلید و رقابت. از میان این هر سه، ترجمه را باید مشخص ترین راه نفوذ دانست، هر چند آثار و نتایج توانی که زبان از راه ترجمه کسب می کند بسیار متنوع تر از آن است که تصور می رود.» (هایت، ۱۳۷۶: ۱۹۵) «رنسانس در غرب، عصر بزرگ ترجمه بود. به همان سرعتی که نویسندگان ناشناس دوران کلاسیک کشف می شدند آثار آنان و اقران مشهورترشان به زبانهای بومی ترجمه می شد و در دسترس جماعت خواننده اروپایی غربی قرار می گرفت.» (همان) در این فرایند ترجمه متن محور از جایگاه ویژه ای برخوردار بود چراکه غربیان بر آن بودند از رهگذر ترجمه آثار لاتینی و یونانی، عناصر زیبایی بخش و ظرائف زبانی و ساختاری آن زبانها را به زبانهای خود منتقل کنند و بدین وسیله سبب غنای زبان بومی شوند. چراکه هر اثر برجسته ای وقتی ترجمه شود معمولاً انگوهای انشایی بسیاری را به زبان جدید - که خود فاقد آنهاست - منتقل می کند. (همان: ۲۰۵) «این جنبش، هر چه اروپای غربی رو به اوج رنسانس پیش می رفت، شدت می گرفت... زبان مفهومی دقیقتر و باریک تر یافت. سیلان و اثره های لاتینی و یونانی بر زبانهای اروپای غربی ادامه و افزایش یافت. بعدها استفاده از معیارهای گزیده ادبی یونانی و رومی سبب استحکام و پالایش این جریان نیرومند گردید. ادامه همین جریان بود که لهجه های خشن، درشت و ساده اعصار تاریک را به زبانهای امروزی اروپای غربی و آمریکای جدید بدل کرد.» (همان)

در دوران کلاسیسیم به علت اصالت دادن به نویسندگان و ادبای دوران قدیم و اهمیت داشتن

زبان و شیوه نگارش آنها مترجمان بر آن بودند که با توجه کامل به آثار ایشان این ویژگیهای زبانی و معنایی را به زبانهای خود منتقل کنند. رویکرد ترجمه متن محور بود که قابلیت انجام این شیوه ترجمه را داشت.

پس از تأثیر مطلوب زبانهای لاتینی و یونانی بر زبانهای غربی و تأثیر فرهنگهای یونانی، رومی و اسلامی، نیاز به آفرینشهای هنری و ادبی در میان غربیان به وجود آمد. با رشد اندیشه‌های سرمایه‌داری در جهان غرب که تولید را در جهت برآورده کردن نیازها و سفارشهای مصرف‌کنندگان می‌دانست تا در بازار رقابت به فروش بالاتری دست یابد، آفرینشهای ادبی و ترجمه از این نوع اندیشه تأثیر پذیرفت و نظریه‌هایی پدید آمد. بر این اساس توجه آفرینندگان ادبی و مترجمان به سوی نیازهای خوانندگان آثار ادبی و ذوق و پسند آنها معطوف شد تا با کالای ادبی خود بتوانند گوی سبقت را از رقیبان ربوده و بازار فروش را در سلطه خود درآورند. نیز طرح مباحثی همچون هرمنوتیک که بر خواننده اثر ادبی تأکید داشت، اهمیت خواننده را بیش از پیش بالا برد. همه این عوامل زمینه اوج‌گیری رویکرد ترجمه خواننده‌محور را باعث شد.

همان‌طور که پیشتر گفته شد ترجمه بر بنیان اثری در زبان مبدأ صورت می‌پذیرد. بنابراین توجه مترجم بایستی به متن اصلی باشد تا با فهم کامل صورت و معنی متن، بتواند آن را به زبان مقصد منتقل کند. همچنین از رهگذر توجه، تمرکز و درک متن اصلی است که جوهره ادبی متن، امکان انتقال به زبان مقصد را می‌یابد. بنابراین فقط شیوه ترجمه متن محور شیوه‌ای دقیق، اصولی و آکادمیک است. بدیهی است اگر مترجم در پی اقتناع و جلب خواسته‌های خوانندگان برآید، چاره‌ای جز پیروی از ذوق و سلیقه خوانندگان و پایین آوردن ترجمه خود و سطح فهم و درک خوانندگان خود ندارد و این رویکرد با ماهیت ترجمه که کنشی علمی می‌باشد و نه ذوقی و فردی همخوانی ندارد.

توجه به ذوق مردم در آفرینش هنری — از جمله در ترجمه — گمراه‌کننده است. (بنیامین، ۲۰۰۴: ۲۱۰) هیچ شعری برای خواننده، هیچ نقاشی برای بیننده و هیچ سمفونی هنری و اصیلی برای شنونده آفریده نمی‌شود. (همان) چراکه اصولاً اثر هنری اصیل از رهگذر توجه به ذات هنر است که آفریده می‌شود و اثری که از خواستگاه هنری برنیامده باشد دیگر هنری قلمداد نمی‌شود. ترجمه کاری است هنری و هنری بودن ترجمه به این است که با اصل خود ارتباط استوار داشته باشد نه این که بی‌توجه به متن اصلی صرفاً با خوانندگان خود ارتباط برقرار کرده باشد. (همان) از سوی دیگر مترجم، روشنفکری صاحب‌رسالت است. او تشخیص می‌دهد

در جامعه خود چه کمبودها و خلاءهای علمی، فرهنگی، ادبی و ... وجود دارد و از رهگذر ترجمه آثاری از دیگر زبانها - که می‌توانند این کمبودها و نقصانها را برطرف کنند - می‌کوشد سطوح مختلف علمی، فرهنگی و ادبی را در جامعه خود ارتقا بخشد.

بنابراین مترجم آثاری را برای زبان خود به ارمغان می‌آورد که امکان آفرینش و نگارش آنها در زبان خود وی وجود ندارد و از این رهگذر زمینه‌ساز حرکتها و پیشرفتهایی در موضوعهای مورد نظر خواهد شد. نکته مهم این است که اگر فاصله بین عموم مردم و طبقه دانشگاهی و روشنفکر جامعه - از جمله مترجمان - زیاد باشد برای کم کردن این فاصله نباید طبقه روشنفکر نگرش خود را تنزل دهد تا به عموم مردم نزدیک شود و خود را پیرو آنها سازد، بلکه بایستی با فراهم ساختن بسترهای مناسب، شرایط لازم جهت رشد و توسعه فرهنگی و فکری در متن جامعه را بوجود آورد.

گرایش افراطی به رویکرد ترجمه خواننده‌محور مترجم را به نویسنده‌ای سفارش‌پذیر تبدیل می‌کند. مترجم کتاب و موضوعی را انتخاب می‌نماید که مورد علاقه خوانندگان است، زبانی را برای ترجمه برمی‌گزیند که ایشان می‌طلبند و درمی‌یابند، جذابیتها و کارکردهای زبانی ایجاد می‌کند که باعث لذت و گشایش خاطر خوانندگان می‌گردد.

گرایش به ترجمه خواننده‌محور در ترجمه آثار بزرگ ادبی، سطح این آثار را بسیار پایین‌تر از آنچه هست نمایان می‌سازد؛ چراکه در این شیوه مترجم از جوهره هنری، ادبی و زیباییها و ظرایف ساختاری و معنایی متن اصلی به سوی خوانندگان خود عقب‌نشینی می‌کند و در این راه بسیاری از آرایه‌ها امکان انتقال به زبان مقصد را نمی‌یابند. همچنین مترجم خواننده‌محور سبک فخیم، استوار و ادبی این نویسندگان را به نثر معیار و ساده دوران خود پایین می‌آورد.

در ترجمه این گونه آثار مترجم بایستی محو نویسنده و اثر او بشود و این گونه تصور نماید که اگر نویسنده‌ای همچون شکسپیر بر آن بود که نمایشنامه هملت خود را به زبان فارسی بر پایه تمامی جزئیات و کلیات ساختاری - معنایی آن و نیز جنبه ادبی هنری اش بنویسد چگونه می‌نوشت، او نیز آن گونه عمل نماید. روشن است که این گونه ترجمه با رویکرد ترجمه متن‌محور امکان‌پذیر است که توجه خود را به سوی متن اصلی معطوف می‌دارد. موضوعی که در اینجا مطرح می‌شود سطح متفاوت خوانندگان در فهم و درک آثار بزرگ ادبی می‌باشد و اینکه سطوح پایتتر خوانندگان نیز حق خواندن و فهمیدن این گونه آثار را دارند. راهکاری که در این باره می‌توان ارائه داد بازنویسی از ترجمه‌های اصیل و ادبی این آثار متناسب با سطح

خوانندگان می‌باشد. با این توضیح که آنچه تحت عنوان ترجمه از این آثار صورت می‌پذیرد همان ترجمه متن محور باشد که موظف است تمامی ظرایف و زیبایی‌های اثر را به زبان مقصد منتقل نماید و آنچه که تحت عنوان بازنویسی مطرح می‌شود همان بازنویسی مجدد از متن ترجمه اصلی است که متناسب با سطح خوانندگان می‌تواند از میزان اصول و قواعد زبانی و زیباشناسی متن اصلی ترجمه بکاهد تا جایی که نمایشنامه‌ای همچون هملت به صورت داستانی ساده برای گروه کودک و نوجوان بازنویسی شود. مراجعه به متن مبدأ برای این‌گونه بازنویسیها دلیلی برای اطلاق عنوان ترجمه بر آنها نمی‌باشد.

کارکرد منفی دیگری را که می‌توان برای رویکرد ترجمه خواننده محور نسبت به متن محور برشمرد گرایش مترجمان غیر متخصص و مبتدی به آن است. چرا که در این شیوه مترجم خود را از پایبندی به متن اصلی آزاد می‌بیند و وظیفه اصلی خود را ارائه ترجمه‌ای روان و قابل فهم می‌داند. او خود را موظف به درک جزئیات متن اصلی نمی‌داند و همین که بتواند کلیتی از عبارت یا عبارتهای متن اصلی را بفهمد و توانایی بیان آنها را با زبانی روان داشته باشد دست به ترجمه می‌زند. روشن است که این‌گونه ترجمه با ساختار و جوهره متن اصلی فاصله زیادی می‌یابد. در ترجمه متن محور تا آن هنگام که مترجم به تخصص و تبحر در زبان مبدأ نرسد عملاً نمی‌تواند ترجمه‌ای بر اساس این رویکرد ارائه دهد زیرا او از همان آغاز بایستی به جزء جزء متن اصلی تسلط و آگاهی داشته باشد تا بتواند آنها را به زبان مقصد بازنویسی نماید. (۴)

به‌طور کلی، مشکلاتی که از ترجمه‌های متن محور و خواننده محور به وجود می‌آید نتیجه برداشتهای افراطی و نادرست از آنهاست. در صورتی که تعریفها و برداشتهای صحیح و متعادل از این دو رویکرد، با یکدیگر تناقضی ندارند. اگر مقصود از ترجمه خواننده محور ترجمه‌ای است که در آن مترجم در عین وفاداری به متن مبدأ به خوانندگان و فهم آنها نیز توجه دارد، برداشت معتدل و معقولی از روش ترجمه خواننده محور است و نیز اگر مقصود از ترجمه متن محور ترجمه‌ای است که متنی با تمام ویژگیهای جزئی و کلی ساختاری و معنایی از زبان مبدأ به زبان مقصد ترجمه شود این برداشت هم صحیح و مناسب است. به‌طور کلی، آسیبها و پیامدهای منفی ترجمه خواننده محور از آسیبهای ترجمه متن محور بسیار بیشتر است و با توجه به جذابیتهایی که این رویکرد برای مترجمان و خوانندگان دارد پرداختن به آسیبهای آن کاری و مهمتر می‌نماید.

پی‌نوشت

۱- البته ترجمه به زبان فارسی قدمتی دیرینه دارد. ترجمه از زبانهای چون: یونانی، پهلوی، یونانی و عربی به زبان فارسی و دیگر زبانهای ایرانی پیشینه‌ای بیش از هزار سال دارد اما ترجمه از زبانهای غربی و اروپایی در سده‌های اخیر صورت گرفته است.

۲- ترجمه به دو نوع علمی و ادبی تقسیم می‌شود. ترجمه علمی به مباحث خاصی می‌پردازد که خارج از بحث این مقاله است. بحث نوشته حاضر آسیب‌شناسی ترجمه‌های آثار ادبی با رویکرد خواننده‌محور می‌باشد که به جهت رعایت اختصار از آن با عنوان کلی ترجمه یاد می‌شود.

۳- تأثیر دیدگاههای وی تا سده بیستم بر آرای گروهی از نظریه‌پردازان ترجمه مشهود است.

۴- گرایش افراطی به ترجمه متن‌محور نیز آسیبها و کارکردهای منفی خاصی دارد که آن نیز از ساحت ترجمه اصولی و آکادمیک به دور است؛ ارائه ترجمه‌های تحت‌الفظی که فهم آن برای خواننده بسیار دشوار و گاه محال است. کاربرد اصطلاحات و عبارتهایی که در زبان مقصد وجود ندارد، آسیبهای ساختاری و دستوری که از زبان مبدأ به مقصد وارد می‌شود و ... از جمله ین آسیبهاست.

منابع:

- هایت، کیلیرت، ادبیات و سنت های کلاسیک. محمد کبانی. مهین دانشور، تهران: آگه، ۱۳۷۶.

-Snell-Hornby, Mary, *Translation studies, an integrated approach*, John Benjamin's publishing company, 1988.

-Benjamin, Walter, "The task of the translator: An introduction to the translation of Baudelaire's *Tableaux Parisiens*", in Lee Harrington, Diane D Bielby, *Popular culture: production and consumption*, Australia: Blackwell, 2004.